

پرسش ۶۲: آیات «و اوحى ربك الى النحل....» و «ثم كلى من كل الثمرات.... لقوم يتفكرون»

السؤال / ۶۲: قال تعالى: (وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ) ([90]). (ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) ([91]).

ما معنى الآية الكريمة، وما ارتباط النحل مع الأنبياء والمرسلين والأئمة الأطهار وتحديدًا السيد (ع) ؟

المرسل : إبراهيم رغيل

خداوند متعال می فرماید: « پروردگار تو به زنبور عسل وحی کرد: از کوهها و درختان و در بناهایی که می سازند خانههایی برگزین » ([92]) و « آنگاه از هر ثمره‌ای بخور و از روی خشوع به راه پروردگارت برو. از شکم او شرابی رنگارنگ بیرون می آید که شفای مردم در آن است و صاحبان اندیشه را در این، نشانه‌ای است ». معنای آیه کریم و ارتباط زنبور عسل با انبیا و فرستادگان و ائمه‌ی اطهار(ع)، به خصوص با سید احمد الحسن(ع) چیست؟

فرستنده: ابراهیم رگیل

**الجواب:** بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

لم يخلق الله سبحانه وتعالى شيئاً عبثاً، بل كل شيء بمقدار وتقدير وحكمة بالغة؛ ليتفكر الإنسان في خلق الله، فيعرف من خلال هذا التفكير الحقيقة، وكم حث سبحانه الناس على التفكير في خلقه لعلمهم يهتدون إلى الحق (أولم ينظروا في ملكوت السموات والأرض وما خلق الله من شيء وأن عسى أن يكون قد اقترب أجلهم فبأي حديث بعده يؤمنون) ([93]). (هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا

وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لَتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (94).

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم، والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد و آل محمد الائمة والمهدين وسلم تسليماً.

خداوند سبحان و متعال هیچ چیز را بیهوده نیافریده است؛ بلکه هر چیز را با تدبیر و تقدیر و حکمت بالغه و رسا خلق کرده تا انسان در خلقت خدا تفکر کند و از پی این تفکر، به حقیقت برسد. چقدر خداوند انسان را به تفکر در خلقتش ترغیب می نماید تا از این طریق به حق هدایت شود: « آیا در ملکوت آسمان ها و زمین و آنچه خداوند آفریده است، نمی اندیشند؟ و شاید که مرگشان نزدیک باشد؛ و بعد از این (قرآن) کدام سخن را باور دارند » (95). « او آن کسی است که خورشید را فروغ بخشید و ماه را منور ساخت و برایش منازلی معین کرد تا از شمار سال ها و حساب آگاه شوید. خدا همه ی اینها را جز به حق نیافرید، و آیات را برای مردمی که می دانند به تفصیل بیان می کند » (96).

وفي النحل آيات يعرف الإنسان من خلالها الحق، فهو يجمع العسل من الأشجار، وفي العسل شفاء للأجساد، وكذا الأنبياء والأوصياء وشيعتهم يجمعون العلم من الشجرة الطيبة المباركة، وفي العلم شفاء الأرواح.

در زنبور عسل نشانه هایی وجود دارد که انسان می تواند از طریق آنها حق را بشناسد. زنبور، عسل را از درختان و گل ها به وجود می آورد و در عسل شفایی برای جسم ها وجود دارد. انبیا و اوصیا و شیعیان آنها هم علم را از شجره ی طیبه ی مبارک جمع آوری می کنند و در این علم، شفای ارواح وجود دارد.

وكذا فإن مملكة النحل تهلك إن فقدت يعسوبها، ففي البداية تتكون في المملكة مجموعة ملكات كاذبة تماماً كحال العلماء غير العاملين، فهي تنتج بيضاً غير ملقح فتخدع باقي النحل بهذا الإنتاج الكاذب الواهم؛ ليكون مصير المملكة الهلاك بعد أن تضمحل تدريجياً.

همچنین مملکت زنبورها وقتی ملکه ی خود را از دست بدهند، از بین می‌رود. در ابتدا و بعد از مردن ملکه، در اجتماع زنبورها تعدادی ملکه ی دروغین به وجود می‌آیند درست مانند عالمان بی‌عمل. این ملکه‌ها تخم غیر قابل بارور شدن می‌گذارند و با آن زنبورها را با این تخم‌گذاری دروغین فریب می‌دهند و در نهایت، کشور زنبورها به نابودی کشیده می‌شود.

**والمملكات الكاذبة في مملكة فقدت يعسوبها تكون أكثر من واحدة، وهي لا تتفق على حركة واحدة منسقة للخلية، كما أنّ كل واحدة منها تحيط نفسها بحاشية من النحل بعد خداعه بأنها ملكة حقيقية، وهكذا تنقسم المملكة بسبب المملكات الكاذبة.**

ملکه‌های کاذب در مملکتی که سرور و ملکه‌ی واقعی خود را از دست می‌دهند بیشتر از یکی می‌باشند و در برنامه‌ریزی کندو با هم اتفاق نظر ندارند و پس از اینکه زنبورها را فریب می‌دهند و خود را ملکه‌ی حقیقی نشان می‌دهند، هر کدام از آنها تعدادی از زنبورها را گرد خود فرامی‌خوانند و به این صورت مملکت زنبورها با وجود ملکه‌های دروغین، تجزیه می‌گردد.

**تماماً لو تتبعت حال المملكات الكاذبة في مملكة النحل، لوجدته مشابهاً إلى حد كبير حال العلماء غير العاملين، الذين يأتون بعلم فاسد بعد شربهم من آجن، ويسببون إنقسام الأمة بعد أن تفقد نبيها وإمامها.**

اگر تحقیقات کاملی در مورد ملکه‌های دروغین در کشور زنبورها انجام دهید دید که شباهت بسیار نزدیکی با وضعیت علمای بی‌عمل دارد؛ کسانی که با علمی فاسد می‌آیند و پس از نوشاندن این آب گندیده سبب تفرقه‌ی امت پس از فقدان پیامبر یا امام خود می‌شوند.

وهناك آية في النحل للتضحية والفداء، فعندما يهاجم عدو مملكة النحل فإن النحل يهاجم العدو للدفاع عن المملكة وعن العسوب وباقي النحل، وكل نحلة تلدغ العدو فإنها تفقد حياتها حتماً، ومع ذلك فالنحل يُقدم على التضحية بنفسه دون تردد من أجل المملكة، وفي هذا آية ودرس في الابتعاد عن الأنا.

در زنبور، آیه و نشانه‌ی دیگری از ایثار و فداکاری وجود دارد. هنگامی که دشمنی به مملکت زنبورها (کندو) حمله می‌کند، هر زنبوری برای دفاع از کندو و ملکه‌ی خود و سایر زنبورها به دشمن حمله می‌کند. هر زنبوری که دشمن را نیش بزند، به طور قطع زندگی‌اش را از دست می‌دهد و با این وجود، برای دفاع از ملکه، زنبور برای قربانی کردن خویش پیش قدم می‌شود، بدون هیچ شک و تردیدی؛ در این، عمل نشانه و درسی در دوری از منیت می‌باشد.

في هذا المختصر حاولت أن أضيء لك الطريق قليلاً، لتتبع بنفسك حال النحل ومملكته؛ لتلمس مدى التشابه بينه وبين أهل الدين، سواء منهم الصادق والمخدوع والكاذب، فتعرف عندها أن الله يكلم الناس بكل شيء، بالحجر والشجر والحيوان ([97]).

با این مختصر تعریف، سعی کردم راه را کمی برای روشن کنم، تا خودت شخصاً درباره‌ی زنبورها و کندوی‌شان تحقیق کنی تا میزان تشابه موجود بین آنها و اهل دین را بیشتر لمس کنی، چه افراد راست‌گو، چه فریب‌خورده و چه دروغ‌گو و به این ترتیب خواهی فهمید که خداوند با هر چیزی با مردم سخن می‌گوید: با سنگ، درخت و حیوان ([98]).



[90] - النحل: 68.

[91] - النحل: 69.

[92] - نحل: 68.

[93] - الأعراف: 185.

[94] - يونس: 5.

[95] - اعراف: 185.

[96] - يونس: 5.

[97] - ولذلك تجد أهل البيت يشبهون أنفسهم وشيعتهم الصادقون بالنحل، عن أبي عبد الله (ع) في قوله تعالى: (وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ) قال: (نحن النحل الذي أوحى الله إليه: (أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا) أمرنا أن نتخذ من العرب شيعة، (وَمِنَ الشَّجَرِ) يقول: من العجم (وَمِمَّا يَعْرِشُونَ) من الموالي، والشراب المختلف ألوانه: العلم الذي يخرج منا إليكم) بحار الأنوار: ج 42 ص 110. (المعلق).

[98] - از همین رو است که اهل بیت خود و شیعیان راست‌گوی خود را به زنبور عسل و کندوی آنها تشبیه می‌کنند. از ابو عبدالله (ع) در مورد این سخن خداوند متعال «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ» (و خداوند به زنبور عسل وحی کرد) نقل شده است که فرمود: «ما همان زنبورهای هستیم که خداوند به آنها وحی کرد» (إِنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا) (از کوه‌ها خانه‌هایی برگزین). به ما امر کرد که از عرب، شیعه را برگزینیم، «وَمِنَ الشَّجَرِ» (و از درخت) می‌فرماید: از عجم نیز «وَمِمَّا يَعْرِشُونَ» (و از آنچه بنا می‌کنند) و همچنین از موالی، «وَالشَّرَابِ الْمُخْتَلِفِ الْوَانِه» (و شراب رنگارنگ) علمی است که از ما برای شما خارج می‌گردد». بحار الانوار: ج 42 ص 110.